



موسسه حقوق بشر و محو خشونت علیه زن

Human Rights & Eradication of Violence Organization
'Training & Empowerment of Young Professional Advocates in Afghanistan'

تجربه‌ی خشونت‌های روانی در برابر زنان محصل

(مطالعه موردی دانشگاه کابل)

سعیده امینی

چکیده

آسیب پذیرترین قشر هر جامعه زنان می‌باشند و امروز از نظر همه افراد و یا می‌توان گفت که از نظر اکثریت مردم افغانستان، خشونت آن است که شخص زخم برداشته باشد و یا لت و کوب شده باشد اما اینکه ضربه رسیدن به روح و روان یک زن چه نواقصی را در پی دارد را، از جمله خشونت نمی‌دانند.

در این تحقیق که به صورت کتابخانه‌ی و روش میدانی انجام شده است سعی بر آن است که به بررسی خشونت‌های فیزیکی و روانی، پیامدهای خشونت علیه زنان، راه‌های جلوگیری از خشونت علیه زنان و عکس‌العمل‌های مناسب در مقابل خشونت بی‌پردازد.

یافته‌های تحقیق می‌تواند فهم و دانش از انواع خشونت‌ها را بررسی کند، اینکه چطور بیشترین قربانیان خشونت زنانند و همچنان نقش دولت در کاهش خشونت علیه زنان و سطح تحصیلات زنان و تاثیر آن بر روی کاهش خشونت با استفاده از آمار مورد تحقیق و بررسی قرار گرفته است.

واژگان کلیدی: خشونت، خشونت فیزیکی، خشونت روحی، خشونت اقتصادی، خشونت اجتماعی.

مقدمه

یکی از مصادیق خشونت علیه زن در مطابقت به ماده پنجم قانون منع خشونت علیه زن دشنام، تحقیر و تخویف می‌باشد یعنی خشونت‌های روحی و روانی که بالای روح شخص اثر می‌گذارد نیز در قانون منع خشونت علیه زن جرم‌انگاری شده و همین طور مثال‌های دیگر آن مثل انزوای اجباری، آزار و اذیت و غیره را شامل می‌شود می‌باشد.

خشونت در قانون منع خشونت و اسنادهای مختلف بین‌المللی از جمله اعلامیه حذف خشونت علیه زنان مصوب ۱۹۹۳، سازمان صحتی جهان، مجمع عمومی سازمان ملل متحد تعریف شده تمام آن‌ها خشونت را جرم‌انگاری کرده

اند امروزه از نظر اکثریت مردم در جامعه زمانیکه با کلمه خشونت روبرو می‌شوند دفعتاً تصور لت و کوب را به ذهنشان متبادر می‌شوند. در حالیکه تنها لت و کوب خشونت نیست بلکه انواع دیگر خشونت‌ها وجود دارد که عبارتند از خشونت‌های اجتماعی، اقتصادی اما مهمترین آن که خشونت‌های روحی و یا روانی است وجود دارد. دولت‌ها باید سعی و تلاش بیشتر کنند تا خشونت‌ها را تا حد امکان از بین ببرند و راه حل برای جلوگیری از خشونت‌ها را پیدا کنند.

اهداف تحقیق

تحقیقی که تحت عنوان ((تجربه خشونت‌های روانی زنان محصل)) مورد بررسی و ارزیابی قرار می‌گیرد، اهداف زیر را تعقیب می‌نماید:

۱. بررسی و تحقیق روی خشونت‌های روحی و روانی علیه زنان و اینکه مردم تا چه اندازه فرق بین خشونت‌های روحی و جسمی را می‌دانند؟
۲. بررسی علل و عوامل خشونت‌های روحی و روانی علیه زنان
۳. بررسی انواع خشونت علیه زنان
۴. بررسی تأثیرات خشونت‌های روحی و روانی علیه زنان
۵. بررسی راه‌های حل و بیرون رفت از خشونت‌های روحی و روانی علیه زنان

بیان مسأله

در مورد بررسی تأثیر خشونت‌های روحی و روانی علیه زنان باید گفت که در جامعه ما متأسفانه بیشتر موارد خشونت‌های روانی در نظر گرفته نمی‌شود چون این نوع خشونت‌ها بیشتر به چشم دیده نمی‌شود بلکه احساس می‌شود بنابراین توجه بیشتر به آن صورت نمی‌گیرد دوم اینکه مسأله خشونت‌های روحی و روانی چه تأثیرات ناگوار به جا می‌گذارد به تجسس و تحقیق ضرورت دارد. موضوع دیگر هم اینکه چون اکثر قضایای خشونت علیه زنان امروز در محاکم خشونت علیه زنان مورد بررسی قرار می‌گیرد و صدور حکم قرار می‌گیرد چنین فرصتی زمینه ساز بحث روی مسئله زنان را بیشتر و بیشتر فراهم کرده است. تمرکز روی خشونت علیه زن ازین منظر نیز حایز اهمیت است.

اهمیت موضوع

آسیب‌پذیرترین قشر هر جامعه کودکان و زنان‌اند و باید بهترین مراقبت از ایشان صورت گیرد. زن نصف جامعه را تشکیل میدهد باید امکانات و سهولت‌های مورد نیاز در دسترس شان قرار گیرد، از تعلیم و تربیه درست برخوردار شوند و رویه مطابق شان انسانی با آن‌ها شوند. حق و حقوق قانونی زنان تامین گردد. زن، می‌تواند نسل خوب به جامعه تقدیم کند. اما متأسفانه در جامعه افغانستان نه تنها به زن اهمیت قایل نیستند بلکه زنان را مورد خشونت قرار می‌دهد. از این لحاظ باید توجه جدی برای زنان صورت گرفته و با گام‌های استوار و با ثبات در این عرصه مبارزه صورت گیرد. یکی از دلایل مهم این تحقیق تمرکز روی این مسئله بود، تا در مورد خشونت‌های

روحی و روانی علیه زنان آنچه از دیده‌ها و شنیده‌ها به دور مانده و یا در جامعه آن‌را خشونت نمی‌دانند، پرده برداشته و راه حلی در زمینه جستجو نماییم.

سوالات تحقیق

خشونت چیست و چه پیامدهای را در قبال دارد؟

زن به چه کسی گفته می‌شود؟

عوامل خشونت علیه زنان در جامعه ما چیست؟

انواع خشونت کدام‌ها اند و کدام نوع از خشونت‌ها بیشتر وجود دارد؟

راه‌های حل خشونت‌ها چیست

تعریف خشونت از منظر قانون منع خشونت علیه زنان چگونه است؟

خشونت در اسناد بین‌المللی چگونه تعریف شده است؟

روش تحقیق

این تحقیق با استفاده از روش کتابخانه‌ای و روش میدانی انجام شده است که با تلفیق از دو روش در بخش تیوریک از منابع مختلف راجع به موضوع، از (کتاب، مجلات، مقالات، ...). بعد از مطالعه و بررسی مورد استفاده قرار گرفته و با تکمیل مرحله تیوریک فرضیات پژوهش طرح گردیده است.

جامعه آماری

جامعه آماری این پژوهش کلیه محصلین در پوهنتون کابل که شامل ۳۰ نفر تمام آن‌ها طبقه اناث می‌باشند را در بر می‌گیرد.

اما اینکه چرا پوهنتون و صرف طبقه اناث، زمینه تحقیق و یا جامعه آماری ما قرار گرفته‌اند بنا بر دو دلیل: اولاً اینکه پوهنتون جای است که اکثریت محصلین اناث آن‌جا حضور دارند و خیلی راحت و ساده تحقیق و بررسی صورت می‌گیرد و ثانیاً چون این تحقیق در مورد خشونت بالای زن‌ها است بناء در این تحقیق نظریات زن‌ها جمع‌آوری شده است.

مبحث اول - مفهوم خشونت

گفتار اول - مفهوم لغوی خشونت

خشونت به معنای درشتی، ناهمواری، تند خویی و بی رحمی را گویند و نیز درشتی کردن و درشت خویی را نیز خشونت گویند.

خشونت. [خُنَّ] (ع مص) درشتی و زبری. (ناظم الاطباء). ضد لینت و نرمی، خلاف نعومت. (یادداشت بخط مولف). || غلظت.

خشونت معادل کلمه Violence که معنای آن تندی، سختی، شدت، زور و غضب، شتم و بی حرمتی است (شمس غزنوی، ۱۳۹۲).

سازمان صحتی جهان خشونت را اینگونه تعریف کرده است: خشونت عبارت از استعمال قوهی فیزیکی و زور را گویند که به صورت فیزیکی و یا عملی و یا به صورت روحی (خشونت روانی) علیه خود شخص، شخص دیگر اجتماع که به احتمال زیاد سبب مجروح شدن ایجاد صدمات روانی، مانع انکشاف، سبب محرومیت و حتا سبب مرگ می گردد.

و یا هم خشونت بر هر عملی که بر جندر (جنسیت) استوار باشد و نتیجه و پیامد آن صدمه و آزار فیزیکی، جنسی و روانی زنان را در بر داشته باشد مانند: تهدید به اعمال خشن و یا اقدام به زور و محرومیت‌های غیر قانونی که موجب درد و رنج زنان گردد و صرف نظر از این که در فضا و یا در ملاء عام واقع شود خشونت نامیده می شود (شمس غزنوی، ۱۳۹۲).

خشونت علیه زنان اصطلاحی تخصصی است که مانند جنایت بر پایه بیزاری، برای توصیف کلی کارهای خشونت آمیز علیه زنان به کار می رود این شکل از خشونت علیه گروه خاصی از مردم اعمال می شود و جنسیت قربانی پایه اصلی خشونت است.

سازمان‌ها و کشورهای جهان می کوشند با برنامه‌های گوناگون با خشونت علیه زنان مبارزه کنند سازمان ملل متحد روز ۲۵ نوامبر را روز بین‌المللی مبارزه با خشونت علیه زنان اعلام کرده است.

گفتار دوم- مفهوم اصطلاحی خشونت

مجمع عمومی سازمان ملل متحد خشونت علیه زنان را ((هر گونه عمل خشونت آمیز بر پایه جنسیت که بتواند منجر به آسیب فیزیکی (بدنی، جنسی، یا روانی زنان بشود)) تعریف کرده است که شامل تهدید به این کارها، اعمال اجبار، یا سلب مستبدانه آزادی چه در اجتماع و چه در زندگی شخصی می شود.

اعلامیه رفع خشونت علیه زنان در سال ۱۹۹۳ بیان می کند که این خشونت ممکن است توسط افرادی از همان جنس، اشخاص عادی، اعضای یک خانواده و دولت‌ها اعمال شود.

همچنین هرگونه رفتار خشن وابسته به جنسیت که موجب آسیب جسمی، جنسی، روحی و رنج زنان شود را خشونت علیه زن می گویند این خشونت می تواند با تهدید، اجبار یا سلب اختیار و آزادی به صورت پنهان یا آشکار انجام شود.

ماده سوم فقره ۲ قانون منع خشونت علیه زن خشونت علیه زن را چنین تعریف کرده است: خشونت عبارت از ارتکاب اعمال مندرج ماده پنجم این قانون است که موجب صدمه به شخصیت، جسم، مال، یا روان زن می گردد

مطابق ماده ۵ قانون منع خشونت علیه زن ارتکاب اعمال ذیل علیه زن خشونت شناخته می شود:

۱- تجاوز جنسی.

۲- مجبور نمودن به فحشا.

۳- ضبط و ثبت هویت مجنی علیها و نشر آن، به نحویکه به شخصیت وی صدمه برساند.

- ۴- آتش زدن یا استعمال مواد کیمیاوی، زهری و یا سایر مواد ضررناک.
- ۵- مجبور نمودن به خودسوزی یا خودکشی و یا استعمال مواد زهری یا سایر مواد ضررناک.
- ۶- مجروح یا معلول نمودن.
- ۷- لت و کوب.
- ۸- خرید و فروش به منظور یا بهانه ازدواج.
- ۹- بد دادن.
- ۱۰- نکاح اجباری.
- ۱۱- ممانعت از حق ازدواج و یا حق انتخاب زوج.
- ۱۲- نکاح قبل از اكمال سن قانونی.
- ۱۳- دشنام، تحقیر و تخویف.
- ۱۴- آزار و اذیت.
- ۱۵- انزوای اجباری.
- ۱۶- اجبار زن به اعتیاد به مواد مخدر.
- ۱۷- منع تصرف در ارث.
- ۱۸- منع تصرف اموال شخصی.
- ۱۹- ممانعت از حق تعلیم، تحصیل، کار و دسترسی به خدمات صحی.
- ۲۰- کار اجباری.
- ۲۱- ازدواج با بیش از یک زن بدون رعایت حکم مندرج ماده (۸۶) قانون مدنی.
- ۲۲- نفی قرابت.

محققین و پژوهشگران، اکثراً در تقسیمات و طبقه بندی‌های خشونت این خشونت‌ها را از انواع خشونت‌های روانی، فزیک، اقتصادی، اجتماعی، جنسیتی و جنسی می‌دانند. (شمس غزنوی، ۱۳۹۲).

گفتار سوم- انواع خشونت

الف- خشونت جنسیتی

هر گونه عمل خشونت آمیز مبتنی بر جنسیت که لزوماً یا محتملاً منجر به آسیب یا رنج جسمانی، جنسی یا روانی شود تهدید به ایجاد محرومیت و محدود ساختن آزادی فرد، در میان اجتماعی و در قلمرو زندگی خصوصی.

ب- خشونت جنسی

هر گونه رفتار غیر اجتماعی که در محیط زندگی خصوصی، زناشویی و خانوادگی به صورت الزام به تمکین از شوهر، رابطه نامشروع محارم با یکدیگر در حلقه خویشاوندی علیه زن صورت می‌گیرد.

ج- خشونت اقتصادی

در بسیاری از نقاط جهان؛ زنان نیروی کار مجانی هستند و باید تا آخر عمر از خانواده خود مراقبت کنند بی آنکه امنیت اقتصادی داشته باشند. آنان دسترسی به منابع اقتصادی ندارند و کاملاً وابسته به مردان خانواده است و چنانچه مردان در این امر کوتاهی کنند؛ ادامه زندگی زنان جدا به مخاطره می‌افتد، خصوصاً وقتی اولویت‌هایی دیگر در خارج از قلمرو منزل و خانواده برای خود قایل هستند. تعریف دیگری که از این نوع خشونت می‌شود عبارت است از هر نوع مضیقه مالی دایمی قراردادن قربانی.

د- خشونت اجتماعی

ممانعت از برقراری روابط اجتماعی و انزوای اجتماعی به نحویکه نتواند با روابط مورد نیاز را در اجتماع برقرار نماید.

ه- خشونت روانی

رفتار خشونت آمیزی که شرافت و آبرو و اعتماد به نفس زن را خدشه دار می‌کند، این رفتار به صورت انتقاد نا روا، تحقیر، فحاشی، تمسخر، توهین، تهدیدهای مداوم به طلاق یا ازدواج مجدد کردن اعمال می‌شود. (غمی، ۱۳۹۶).

خشونت علیه زنان می‌تواند اثرات منفی بر سلامت جسمی، روانی، جنسی و باروری آنان بگذارد و زندگی آنان را به انواع مختلف تحت تاثیر قرار دهد مردانی که تحصیلات پایین دارند و در کودکی مورد آزار یا تجاوز جنسی قرار گرفته‌اند به الکل و یا مواد مخدر اعتیاد دارند در خانواده‌های پر خشونت بزرگ شده‌اند در جوامع مرد سالار پرورش یافته‌اند و یا به زنان احساس مالکیت دارند بیشتر از سایر مردان دست به خشونت علیه زنان می‌زنند. (Fa.euronews.com violence against women)

مبحث دوم- پیامدهای خشونت علیه زنان

در موارد شدید خشونت علیه زنان می‌تواند سبب مرگ آنان شده یا احساس خودکشی در آنان را تقویت کند. بیش از ۴۰ درصد از موارد خشونت علیه زنان آسیب جسمانی گزارش شده است. تجاوز به زنان می‌تواند منجر به بارداری‌های ناخواسته، سقط جنین و بروز مریضی‌های مقاربتی گردد.

خشونت علیه زنان همچنین می‌تواند منجر به پدید آمدن اختلالاتی چون افسردگی، اختلال استرسی پس از ضایعه روانی، اختلال اضطرابی، مشکلات خواب، اختلال غذا خوردن و تلاش برای خودکشی شود.

راه‌های جلوگیری از خشونت کدام هانند؟

مطالعات بسیاری در مورد راه‌های جلوگیری از خشونت علیه زنان صورت گرفته و روش‌های متعددی از سوی کارشناسان برای آن پیشنهاد شده است.

آموزش افراد در جامعه از مهمترین روش‌های پیشنهادی است. آگاهی از عواقب خشونت ورزی می‌تواند تا حدی بازدارنده باشد. اعمال قانون بر آزارگران از دیگر راه‌هایی است که می‌تواند از میزان خشونت علیه زنان بکاهد.

مبحث سوم - عکس العمل‌های مناسب در مقابل خشونت

بسیاری از زنانی که دچار خشونت می‌شوند به دلایل متعددی حاضر به افشای آن نیستند در برخی جوامع کمتر توسعه یافته خشونت مردان خانواده علیه دختران، همسران و مادران امری عادی تلقی می‌شود. در این جوامع برخی از انواع خشونت‌ها از سوی مردان از جمله خشونت‌های کلامی، کنترل‌گری، و یا جسمانی که فرد دچار آسیب جدی نشود، حتا میان زنان جامعه نیز به عنوان امری متداول پذیرفته شده است.

آموزش مصادیق خشونت و آگاه‌سازی جامعه می‌تواند قدم اول برای مهار خشونت باشد در صورتی که خشونت ادامه یابد، ترک فرد آزارگر در صورت امکان می‌تواند راه حلی برای این معضل باشند گرچه در برخی جوامع به ویژه جوامع کمتر توسعه یافته به دلیل عدم استقلال ذهنی و اقتصادی زنان برای بسیاری از آنان ترک آزارگر امکان پذیر نیست.

آشکار کردن خشونت، شکایت به قانون و مراجعه به مشاور و روان‌شناس از جمله رفتارهای است که پس از بروز خشونت باید انجام پذیرد.

سکوت در برابر خشونت به بهانه فقط آبرو در بسیاری از جوامع حتا کشورهای پیشرفته یکی از مخرب‌ترین روش‌های مقابله با خشونت است سکوت در برابر خشونت نه تنها مانع تکرار خشونت از سوی آزارگر نمی‌شوند بلکه این امکان را به وی می‌دهند تا کار خود را تکرار کند.

مقابله با خشونت وظیفه اجتماعی شهروندان و حکومت‌ها است. آموزش عمومی جامعه، تصویب قوانین قضایی علیه خشونت و فراهم آوردن امکانات درمانی قربانیان از جمله وظایفی است که بردوش دولت‌ها قرار. (Fa.euronews.com violence against women)

یافته‌های پژوهش

در تجزیه و تحلیل توصیفی داده‌های این پژوهش، اطلاعات از طریق پرسشنامه به صورت آماری بدست آمده، که در سه بخش تفسیر توصیفی گردیده است و تجزیه و تحلیل متغیرها با فرضیه‌ها و مبانی نظری تقویت شده است. در قسمت اول معرفی متغیرهای جمعیت‌شناسی، از قبیل جنس، حالت مدنی، سن، درجه تحصیل و شغل بررسی و مشخص گردیده است؛ در قسمت دوم متغیرهای فهم و دانش در مورد خشونت؛ در قسمت سوم اینکه بیشترین قربانیان زنان‌اند تجزیه و تحلیل توصیفی گردیده و با در نظر داشت مبانی نظری است.

قسمت اول

معرفی متغیرهای جمعیت‌شناسی

۱. جنس: کلیه پاسخ دهندگان پرسشنامه‌های این پژوهش محصلین پوهنتون از طبقه اناث می‌باشند. جدول شماره (۱) تعداد پاسخ دهندگان را بر حسب جنسیت نشان می‌دهد.

جدول شماره (۱)

جنس	فراوانی	درصدی
زن	۳۰	٪۱۰۰
مرد	۰	٪۰
مجموعه ۳۰	۳۰	٪۱۰۰

قسمی که در جدول شماره (۱) دیده می شود از تعداد ۳۰ نفر پاسخ دهنده نمونه آماری، مکمل زنان است چون این تحقیق در مورد خشونت های روحی علیه زنان و در مورد خود زنان است بناء صرف طبقه اناث در تکمیل پرسشنامه ها در نظر گرفته می شود.

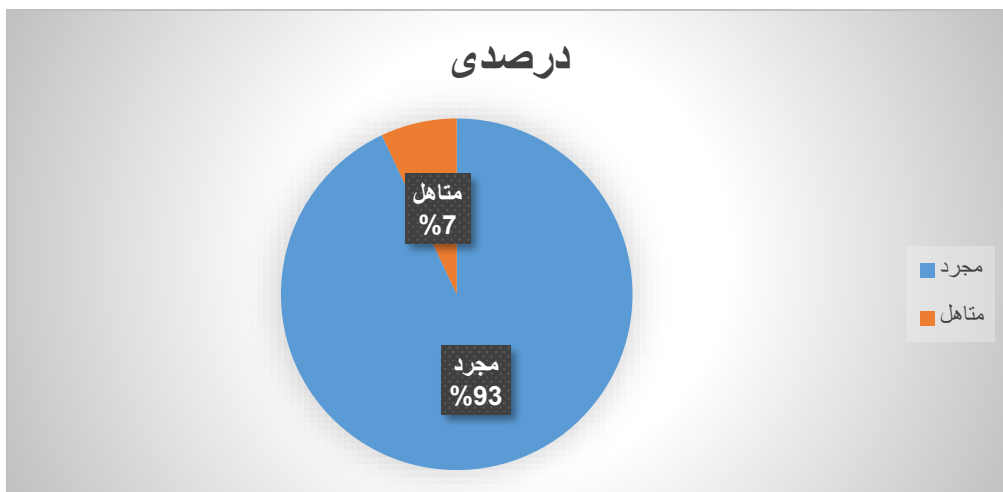
۲-حالت مدنی :- در حالت مدنی پاسخ دهندگان دو گزینه در نظر گرفته شده اند که عبارت از مجرد و متاهل می باشد، جدول شماره (۲) و نمودار شماره (۱) پاسخ دهندگان را بر مبنای وضعیت تاهل نشان می دهند.
جدول شماره (۲)

حالت مدنی

حالت مدنی	فراوانی	درصدی
مجرد	۲۸	٪۹۳
متاهل	۲	٪۷
مجموعه	۳۰	٪۱۰۰

نمودار شماره (۱)

حالت مدنی



به لحاظ متغیر حالت مدنی، به تعداد ۲۸ یعنی ۹۳٪ از پاسخ دهندگان را کسانی تشکیل داده‌اند که مجرد بوده‌اند و به تعداد ۲ نفر یعنی ۷٪ نیز متاهل بوده‌اند آنچه از آمارهای مربوط به متغیر حالت مدنی نتیجه گرفته می‌شود این است که بیشترین افراد پاسخ دهنده تحقیق را کسانی تشکیل داده‌اند که مجرد بوده‌اند و افراد متاهل در رده بعدی قرار گرفته‌اند.

۳. سن - جدول شماره (۳) تفاوت سن پاسخ دهندگان را نشان می‌دهد.

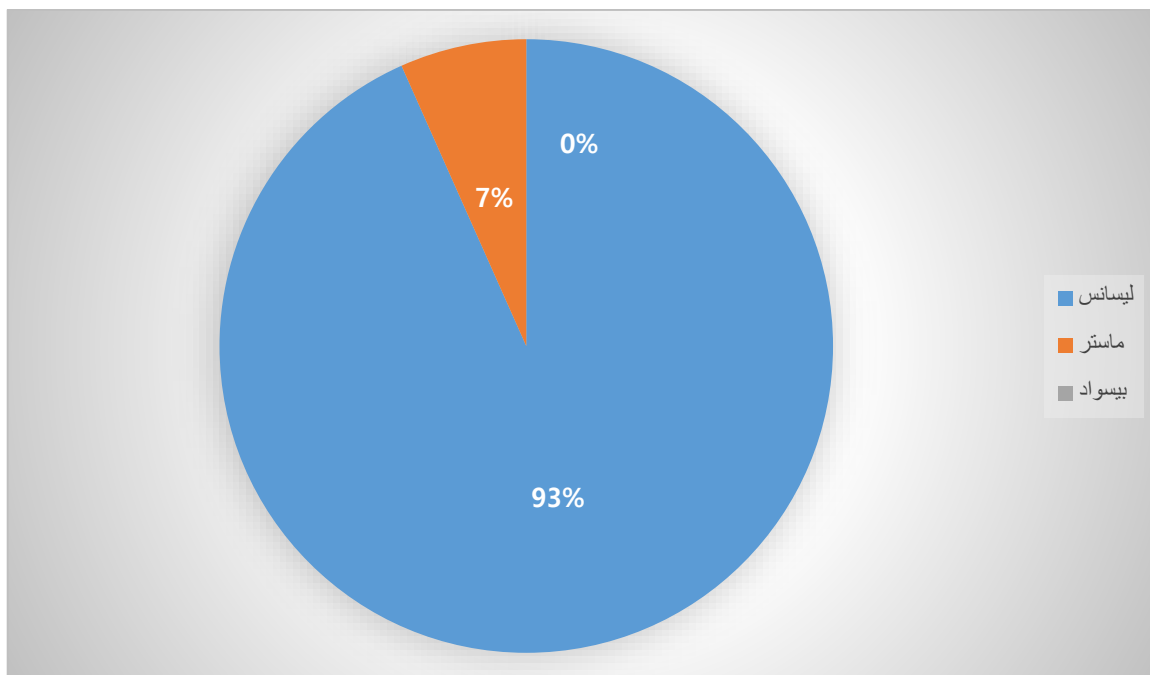
جدول شماره (۳)

سن پاسخ دهندگان

سن	فراوانی	درصدی
بین ۱۸ الی ۲۷ سال	۳۰	۱۰۰٪
بین ۲۸ الی ۳۷ سال	۰	۰٪
بین ۳۸ الی ۴۷ سال	۰	۰٪
مجموعه	۳۰	۱۰۰٪

قسمی که به جدول شماره (۳) مشاهده می‌کنیم از تعداد ۳۰ نفر پاسخ دهنده مکمل ۳۰ نفر آن بین سن ۱۸ الی ۲۷ سال را تشکیل می‌دهند از این متغیر به این نتیجه می‌رسیم که بیشتر این پاسخ دهندگان بین سن ۱۸ الی ۲۷ سال عمر دارند چون تمام این پاسخ دهندگان را محصلین تشکیل می‌داد بناء اکثریت محصلین دارای همین سن و سال بودند.

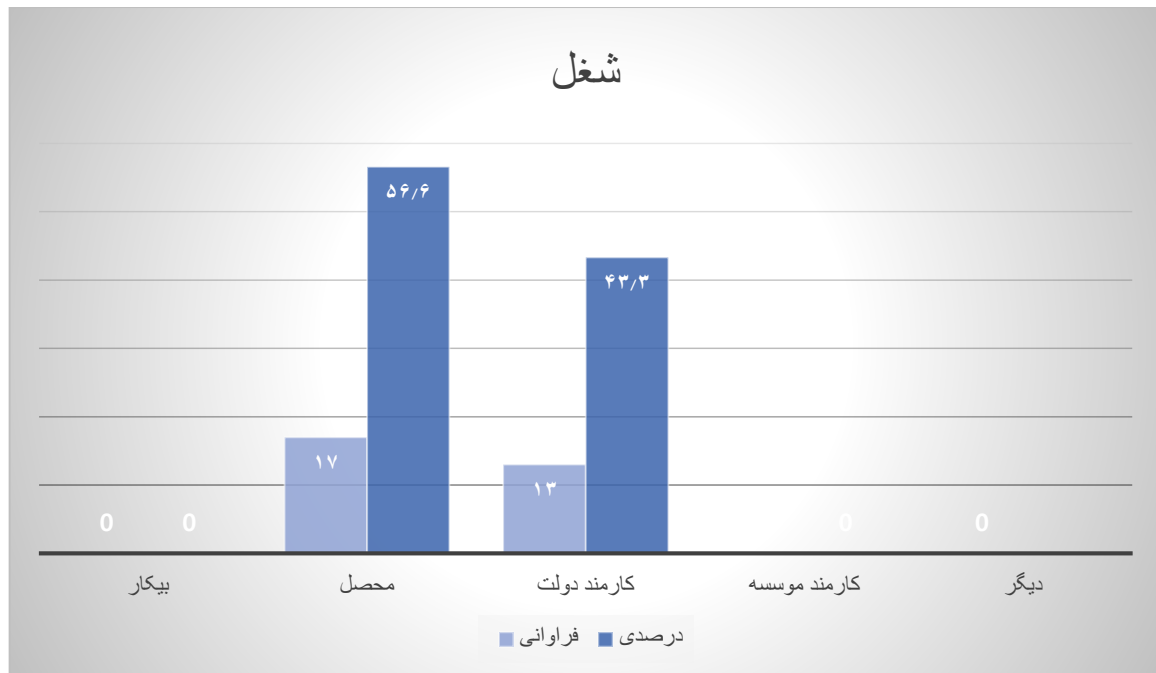
۴. درجه تحصیل - نمودار شماره (۲) درجه تحصیل پاسخ دهندگان را نشان می‌دهد.



چنانچه نمودار شماره (۲) درجه تحصیل پاسخ دهندگان نمونه آماری را نشان می دهد که ۳۰ نفر مکمل دوره لیسانس شان می باشد، پس دیده می شود که لیسانس درصدی بالاتری را تشکیل می دهد.
 ۵. شغل - جدول شماره (۴) و نمودار شماره (۳) شغل اعضای جمعیت نمونه را نشان می دهد.
 جدول شماره (۴)

شغل

شغل	فراوانی	درصدی
بیکار	۰	۰
محصل	۱۷	۵۶,۶%
کارمند دولت	۱۳	۴۳,۳%
کارمند موسسه	۰	۰
دیگر	۰	۰
مجموع	۳۰	۱۰۰%



جدول شماره (۴) شغل اعضای جمعیت نمونه را نشان می‌دهد که از جمله ۳۰ نفر نمونه آماری ۱۷ نفر آن محصل و ۱۳ نفر دیگر آن هم محصل و هم کارمند دولت هستند. چون تعداد بیشتر این‌ها را محصلین تشکیل می‌دهد بناء کمتر شان وظیفه دارند.

قسمت دوم

فرضیه اول، فهم و دانش در مورد خشونت

تاثیرات فهم و دانش را بالای زنان به صورت توصیفی می‌سنجد؛ اینکه پاسخ دهندگان تا چه حد دارای فهم و دانش از خشونت هستند و چه فکر می‌کنند؟ این باورها از فرآیند جامعه پذیری و خانواده ناشی می‌شوند که باور و منش جنسیتی انسان در فرآیند جامعه پذیری در درون خانواده و جامعه شکل می‌گیرد، چون انسان متأثر از خانواده و جامعه است.

برای سنجش این متغیر، شاخص‌های در نظر گرفته شده است که بر اساس آن میزان تصورات قالبی در جامعه آماری روشن می‌گردد.

۱. آشنایی با کلمه خشونت - در جامعه که اکثریت آن‌ها را طبقه بی سواد جامعه تشکیل می‌دهد خیلی کم از آن‌ها با کلمه خشونت آشنایی دارند اینکه خشونت به مفهوم واقعی آن چیست؟ میزان شناخت در مورد کلمه خشونت در جدول (۵) بررسی شده است.

آشنایی با کلمه خشونت

آشنایی با کلمه خشونت				
مجموعه	نظری ندارم	نخیر	بلی	
۳۰	.	.	۳۰	فراوانی
۱۰۰٪	.	.	۱۰۰٪	درصدی

با در نظر داشت جدول شماره (۵) آشنایی با کلمه خشونت فیصدی بیشتر را نشان می دهد. پس نتیجه این ارقام این است که چون تمام این ها محصلین یعنی قشر جوان و تحصیلکرده را نشان می دهند بناء آشنایی با کلمه خشونت دارند.

۲. در جامعه ما باوری که وجود دارد این است که از نظر اکثریت مردم جامعه ما خشونت تنها لت و کوب است و یا هم قتل، اما اینکه آن زنی که مورد خشونت قرار می گیرد چه تاثیرات بالای روح و روان وی می گذارد از نظر مردم جامعه ما آن خشونت نیست یعنی اکثریت مردم جامعه ما فرق بین خشونت های روحی و فزیکمی را نمی دانند این هم بر می گردد به فهم، دانش و مطالعه و همچنان درک و احساس مردم جامعه در این موضوع. جدول شماره (۶) مبین دانش و فهم افراد جامعه در مورد تفاوت بین خشونت های روحی و فزیکمی می باشد. جدول شماره (۶)

جدول شماره (۶)

فرق بین خشونت های روحی و فزیکمی				
مجموعه	نظر ندارم	نخیر	بلی	
۳۰	.	.	۳۰	فراوانی
۱۰۰٪	.	.	۱۰۰٪	درصدی

در ارقام جدول فوق چنین واقعیت مندرج است که از ۳۰ نفر پاسخ دهنده ۳۰ نفر آن ها کاملاً محصلین هستند در مقابل فرق بین خشونت های روانی و فزیکمی را تایید کرده و می فهمیدند چون تمام این ها قشر جوان و تحصیلکرده بودند. بناء گفته می توانیم که از قشر جوان و تحصیلکرده این انتظار می رود تا تفاوت های این ها را بفهمند.

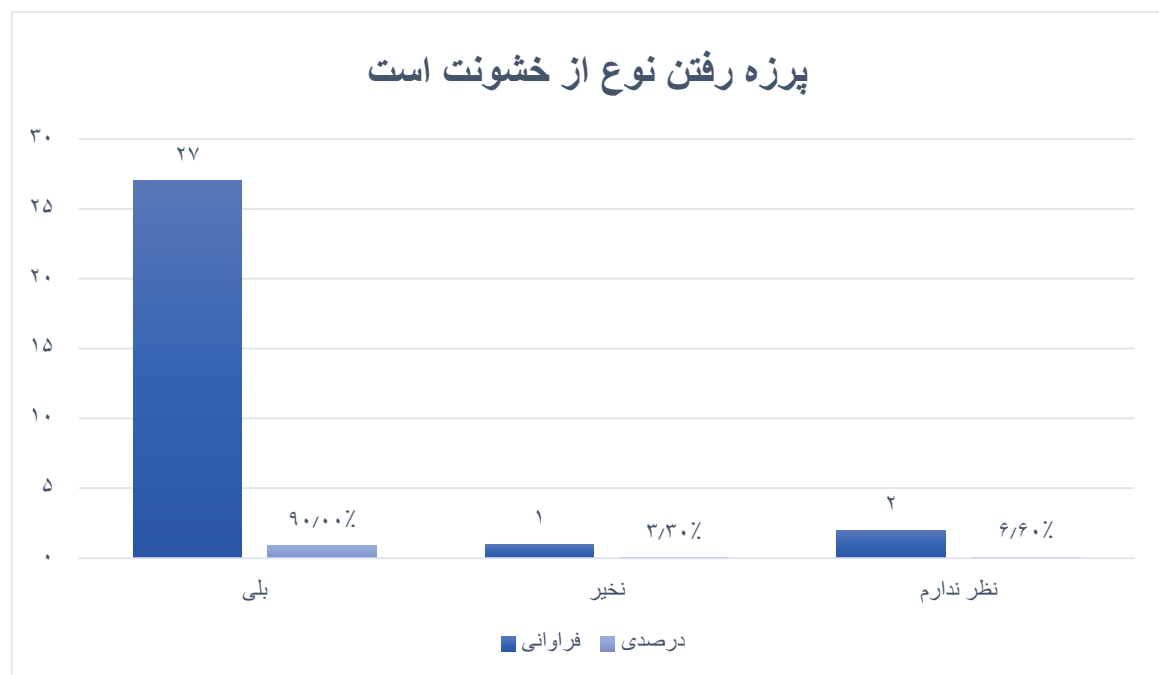
۳. یکی از موارد خیلی عادی خشونت پرزه رفتن بالای دختر خانم و طبقه اناث در پوهنتون و جاهای مختلف است پرزه رفتن خیلی عادی و جا پا افتاده نزد جامعه است پرزه رفتن درست است که انسان را زخمی نمی کند از لحاظ فزیکتی اما از نظر روحی و روانی ضربه ای بزرگ را به جا می گذارد. شخصیکه بالای وی پرزه گفته می شود ممکن اعتماد به نفس خود را از دست دهد و کمتر به طرف تحصیل روان شوند و یا از خانه بیرون شوند.

پرزه رفتن بالای طبقه اناث هم نابرابری جنسیتی و عدم فهم مردم جامعه و درک شان از خشونت می باشد. با پرزه رفتن در حقیقت یک شخص از زور و توانایی خود استفاده می کند تا کسی را که مظلوم است با گپ های خودش سرکوب کرده و پسمان در جامعه بسازد.
جدول شماره (۷)

جدول شماره (۷)

پرزه رفتن نوع از خشونت			
	بلی	نخیر	نظر ندارم
فراوانی	۲۷	۱	۲
درصدی	۹۰٪	۳٫۳٪	۶٫۶٪

نمودار شماره (۷)



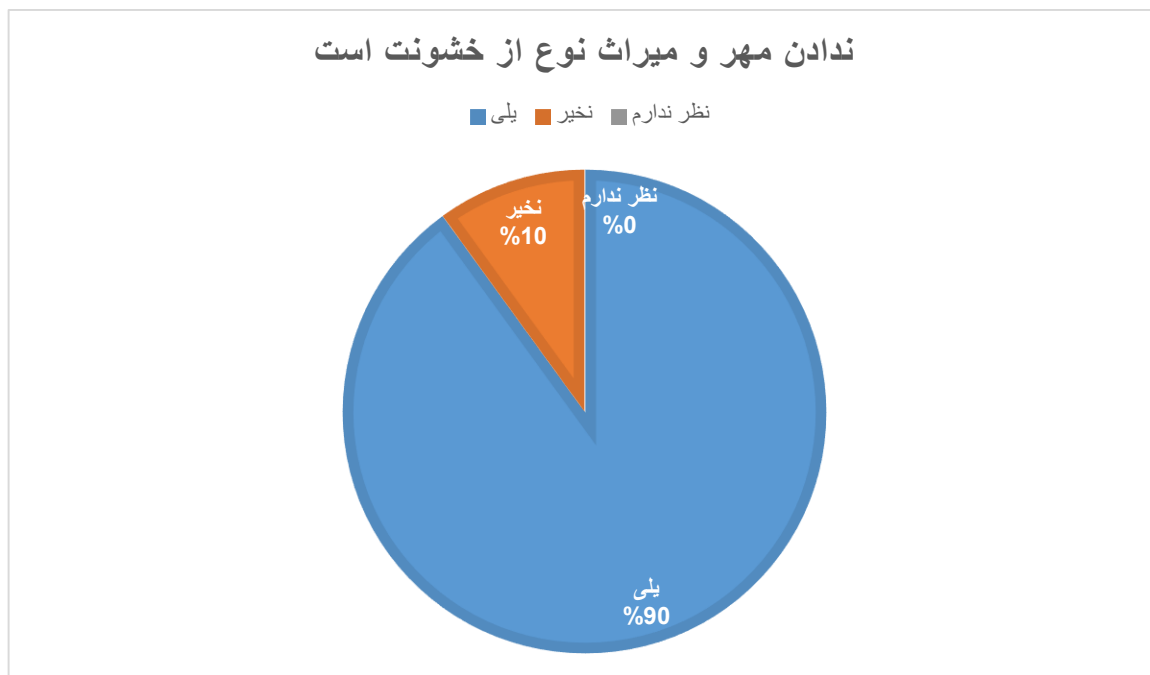
طبق جدول و نمودار شماره (۷) از تعداد نمونه آماری، ۲۷ نفر آن بلی گفته ۱ نفر آن نخیر و ۲ نفر دیگر آن گفته نظری ندارم.

بدین ترتیب، از بیانات فوق دیده می‌شود که اکثریت پاسخ دهندگان باور داشته‌اند که پرزه رفتن نیز نوع از خشونت است.

۴. ندادن مهر و میراث نیز نوع از خشونت علیه زن می‌باشد که در جامعه چون افغانستان از لحاظ سنتی و فرهنگی گرفتن مهر و میراث خیلی مشکل است اگر خانمی بخواهد میراث و یا هم مهر خود را بگیرد با وی قطع رابطه می‌کنند و یک خانم مجبور می‌شود با خاطر دوام روابط خود از حق مهر و میراث خود بگذرد. در حالیکه مطابق قانون کشور مان و شریعت اسلامی کشور مان دادن مهر و میراث حق زن است. جدول و نمودار شماره (۸) نشان می‌دهد که پاسخ دهندگان نمونه آماری تا چه حد موافق هستند؟ ندادن مهر و میراث نوع از خشونت است

ندادن مهر و میراث نوع از خشونت است			
نظر ندارم	نخیر	بلی	
.	۳	۲۷	فراوانی
.	۱۰٪	۹۰٪	درصدی

نمودار شماره (۷)



جدول (۸) و نمودار شماره (۷) نشان می‌دهد که تمام شان از جمله افراد تحصیلکرده و محصلین هستند بنا در مورد این موضوع ۲۸ نفر از آنها بلی گفته ۱ نفر نخیر گفته و ۱ نفر دیگر از آنها نظری ندارد. اکثریت این‌ها در مورد این موضوع که ندادن مهر و میراث نوعی از خشونت است موافق‌اند.

قسمت سوم

فرضیه دوم - بیشترین قربانیان خشونت زنان‌اند

یکی از مهمترین عواملیکه خشونت را به بار می‌آورد این است که خانم‌ها عادت کرده‌اند به نوع رفتار خشونت آمیز و جامعه همیشه این را برایشان قبولانده که آن‌ها جنس دوم هستند بناء ظلم بیشتر بالای این‌ها صورت می‌گیرد.

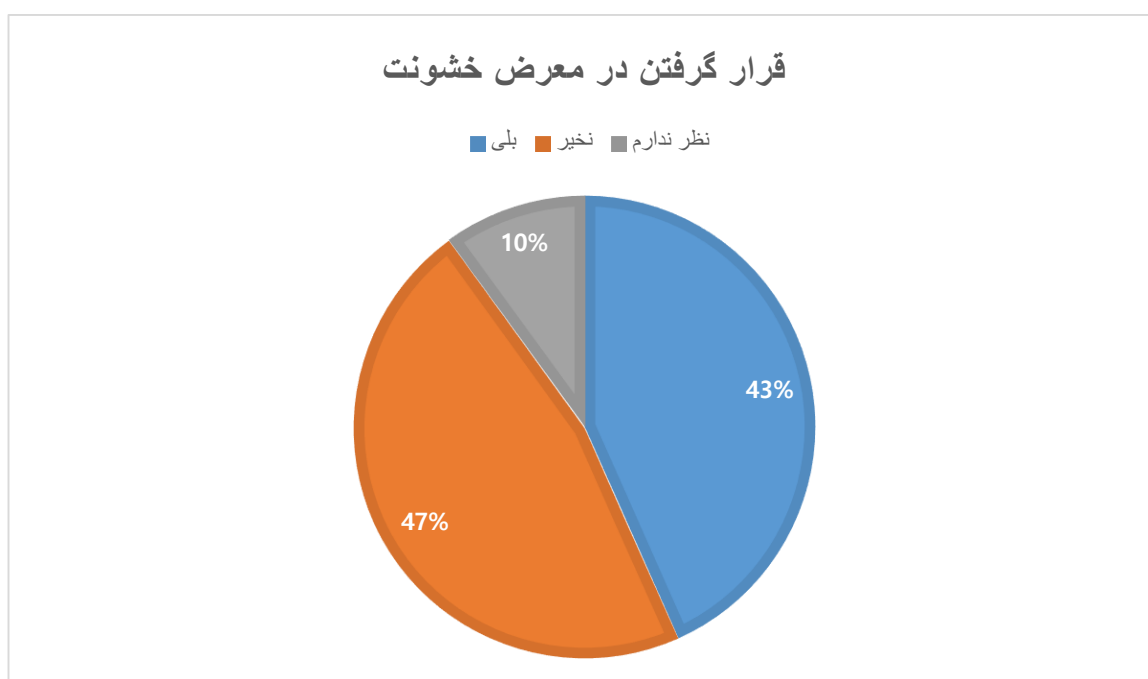
۱. در جامعه چون افغانستان بیشترین قربانیان خشونت خانم‌ها می‌باشند و خانم‌ها بیشتر مورد خشونت قرار می‌گیرند چون طبقه ضعیف از لحاظ فزیکي هستند بناء بیشتر از طرف مردها مورد خشونت قرار می‌گیرند. این امر در جدول پایین نشان داده شده است.

جدول شماره (۹)

جدول شماره (۹)

قرار گرفتن در معرض خشونت			
	بلی	نخیر	نظر ندارم
فراوانی	۱۳	۱۴	۳
درصدی	۴۳,۳٪	۴۶,۶٪	۱۰٪

نمودار شماره (۹)



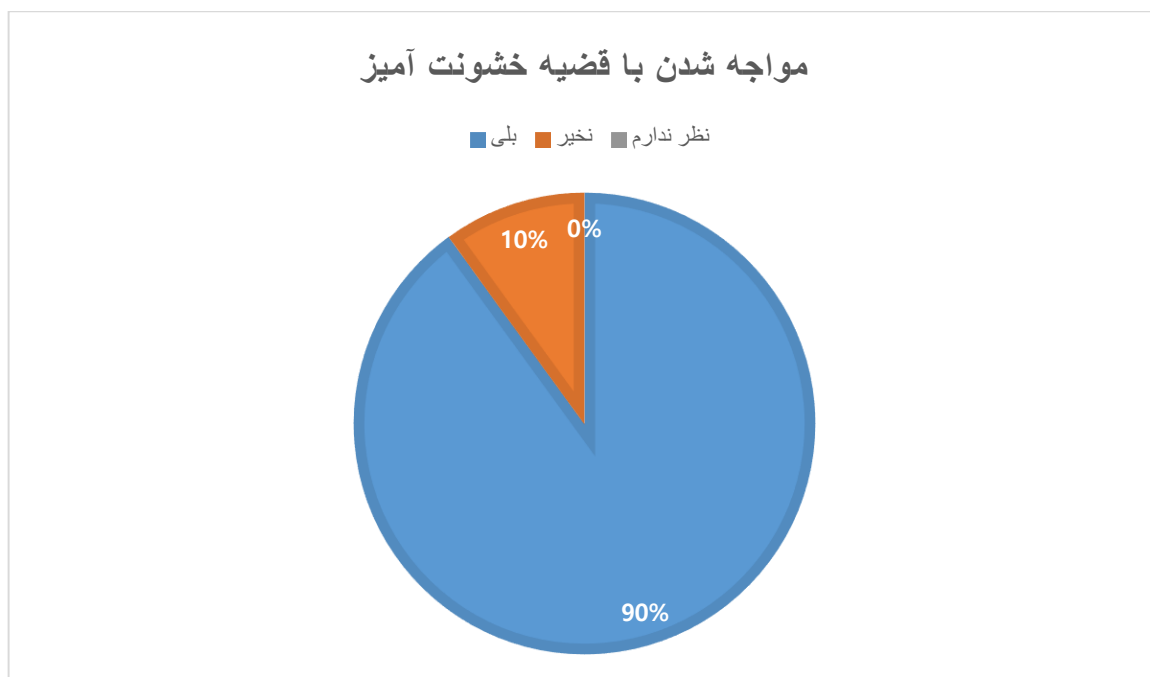
جدول و نمودار شماره (۹) حاکی از آن است که پاسخ دهندگان نمونه آماری این پژوهش ۱۰۰٪ را زنان می دهند از بین کل درصدی متذکره ۳ نفر نظری ندارم ۱۵ نفر نخیر و ۱۰ نفر بلی گفته اند. در این جا دیده می شود تعداد اشخاصیکه مورد خشونت قرار نگرفته اند در مقایسه با افرادی که مورد خشونت قرار گرفته اند خیلی کم تفاوت دارد.

۲. مواجه شدن با قضیه خشونت آمیز که خود تاثیر بزرگ بالای روح و روان انسان دارد بناء زنان خیلی زیاد با قضیه های خشونت آمیز روبرو شده اند و قضیه های از خشونت ها شنیده اند جدول و نمودار شماره (۱۰) نشان دهنده این موضوع است.

جدول شماره (۱۰)

مواجه شدن با قضیه خشونت آمیز			
	بلی	نخیر	نظر ندارم
فراوانی	۲۷	۳	.
درصدی	۹۰٪	۱۰٪	.

نمودار شماره (۱۰)



جدول و نمودار شماره (۱۰) حاکی از آن است که پاسخ دهندگان نمونه آماری این پژوهش ۱۰۰٪ کاملاً زن که از آن جمله ۲۶ نفر که در صدی ۹۰٪ بلی گفته‌اند، ۳ نفر نخیر گفته و صرف ۱ نفر نظری نداشته بناء چنین نتیجه گیری می‌شود که اکثریت این گروه مورد خشونت قرار گرفته اند.

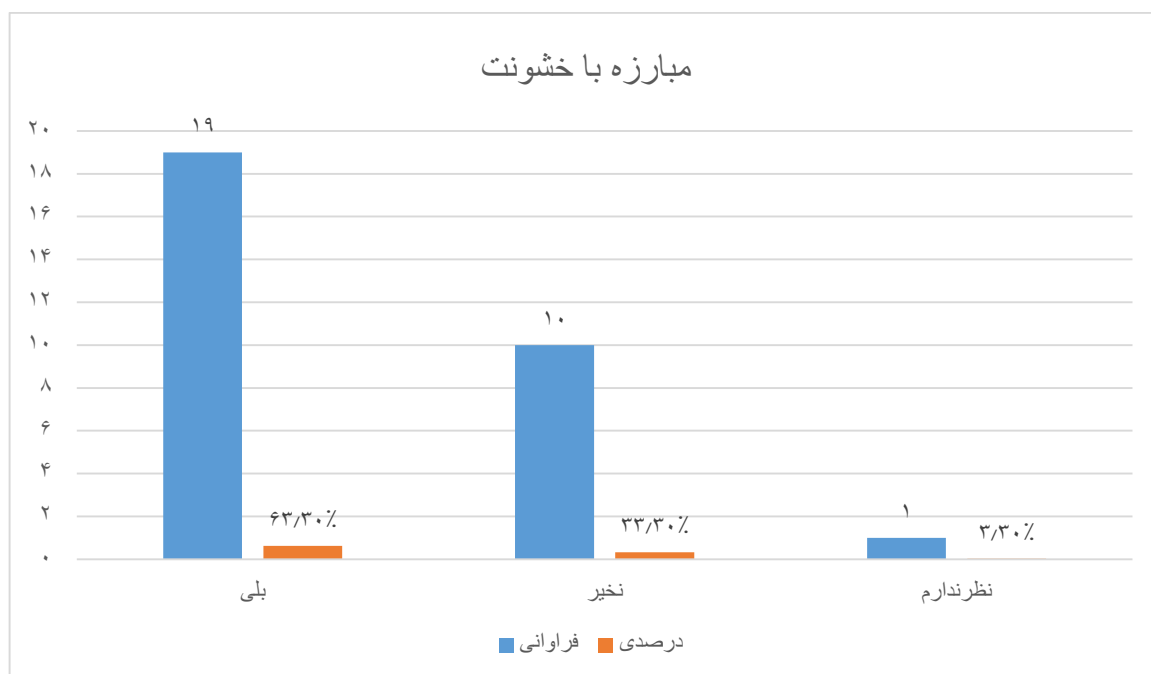
۳. مبارزه با خشونت در جامعه چون افغانستان خیلی کم اتفاق می‌افتد که یک زن در مقابل خشونت و ظلم و ستم ایستادگی کرده و از حق خود دفاع کند تمام این‌ها بر می‌گردد بر فرهنگ و جامعه سنتی کشورمان که اجازه بر این نمی‌دهند که زنان به محاکم و یا سارنوالی بی‌روند، چون رفتن به آن‌جا از نظر جامعه ننگ است و فیصدی کمی که می‌خواهند مراجعه کنند و حق خود را بی‌گیرند در نخست خودشان ملامت می‌شوند و مورد تحقیر و توهین قرار می‌گیرند که این خود ضربه بزرگ بالای روح و روان یک زن می‌گذارد.

جدول و نمودار شماره (۱۱) در مورد اینکه آیا تا به حال در مقابل خشونت مبارزه کرده‌اند چنین بیان می‌دارد.

جدول شماره (۱۱)

مبارزه با خشونت			
	بلی	نخیر	نظر ندارم
فراوانی	۱۹	۱۰	۱
درصدی	۶۳,۳٪	۳۳,۳٪	۳,۳٪

نمودار شماره (۱۱)



جدول و نمودار شماره (۱۱) حاکی از آن است که پاسخ دهندگان نمونه آماری این پژوهش که اکثریت آن‌ها را زنان تشکیل می‌دهند ۱۷ نفر آن‌ها بلی گفته ۱۲ نفر نخیر گفته و صرف یک نفر آن‌ها نظری نداشته پس دیده می‌شود با وجود اینکه اکثریت این گروه‌های از قشر جوان و تحصیلکرده بوده‌اند اما باز هم نتوانسته‌اند که با خشونت مبارزه کنند چون گفته‌اند که هیچ وقتی خانواده‌ها برای مان اجازه رفتن به نهاد و اجازه شکایت کردن را برای مان نداده‌اند.

۳. خاموش ماندن در مقابل خشونت باعث این نمی‌شود که خشونت کنترل شود و یا مهار گردد بلکه برعکس خشونت بیشتر هم می‌شود. در جامعه چون افغانستان از نظر مردم جامعه ما زن خوب کسی است که صدایش را

بلند نکند در اصطلاح عام (بی زبان باشد) و اگر یک زن بخواهد صدایش را بلند کند و از حقش دفاع کند آن زن دیگر مورد قبول جامعه ما نیست.

جدول و نمودار شماره (۱۲) این موارد براساس فیصدی پاسخ دهندگان بیان می کند.

جدول شماره (۱۲)

خاموشی در مقابل خشونت علیه زن باعث کنترل خشونت نمیشود			
نظر ندارم	نخیر	بلی	
.	.	۳۰	فراوانی

چنانچه جدول (۱۲) مشهود است اینکه ۲۷ نفر از آنها بلی گفته و ۳ نفر از آنها نخیر گفته اند.

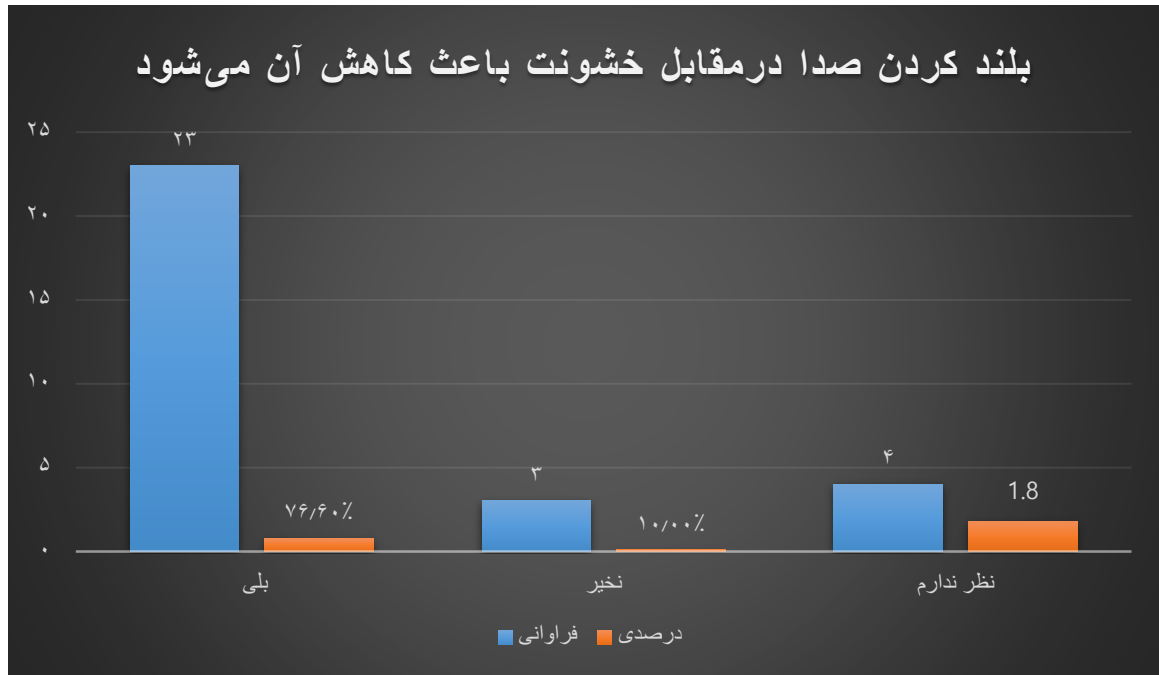
۵. بلند کردن صدا در زمانیکه یک خانم مورد خشونت قرار می گیرد تاثیر بالای کاهش خشونت دارد.

جدول و نمودار شماره (۱۳) در مورد اینکه بلند کردن صدا برای دفاع از خود، در مورد خشونت آیا تاثیراتی بالای کاهش خشونت دارد یا خیر؟ این موضوع جدول و نمودار شماره (۱۳) نشان می دهد.

جدول شماره (۱۳)

بلند کردن صدا در مقابل خشونت باعث کاهش آن میشود			
نظر ندارم	نخیر	بلی	
۴	۳	۲۳	فراوانی
۱۳,۳%	۱۰%	۷۶,۶%	درصدی

نمودار شماره (۱۳)

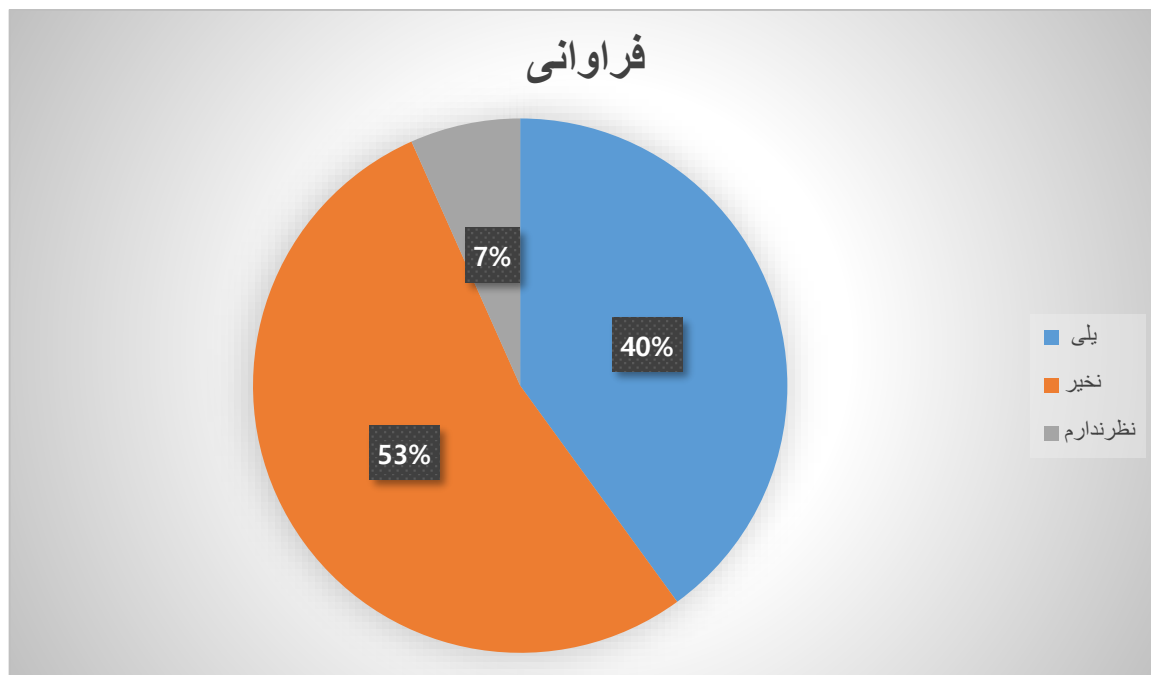


جدول و نمودار شماره (۱۳) حاکی از آن است که پاسخ دهندگان نمونه آماری این پژوهش ۲۴ نفر از آن‌ها بلی گفته‌اند ۴ نفر نخیر و ۲ نفر گفته نظری ندارم. یعنی از این جا می‌توان نتیجه گرفت که اکثریت به این موافق‌اند که دفاع از خود و بلند کردن صدا در کاهش خشونت تاثیر بزرگی را دارد.

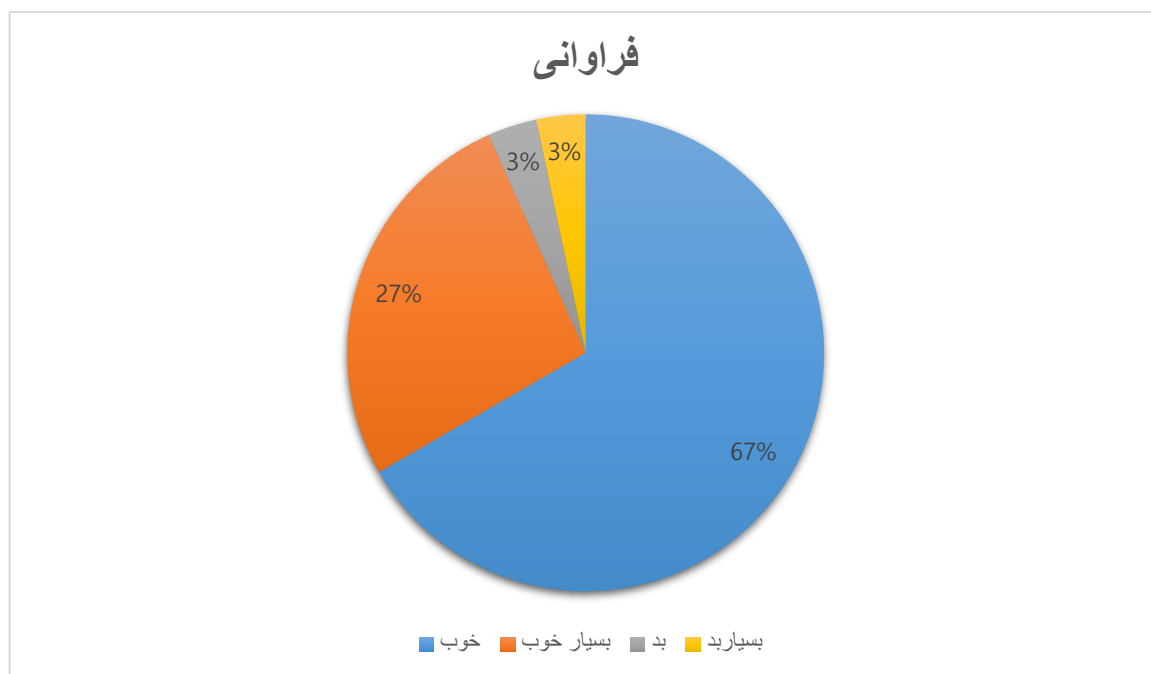
۶. آیا در جریان تحصیل اکثریت از محصلین اناث با برخوردهای خشونت آمیز مواجه شده‌اند؟
جدول و نمودار شماره (۱۴) در این مورد بیان می‌دارد.

برخورد خشونت آمیز از طرف محصلین در جریان تحصیل			
	بلی	نخیر	نظر ندارم
فراوانی	۱۲	۱۶	۲
درصدی	۴۰٪	۵۳,۳٪	۶,۶٪

نمودار شماره (۱۴)



جدول و نمودار شماره (۱۴) حاکی از آن است که پاسخ دهندگان نمونه آماری این پژوهش به تعداد ۱۲ نفر بلی گفته اند ۱۶ نفر نخیر و ۲ نفر دیگر گفتند که نظری نداریم. ۷. راضی بودن از برخورد کارمندان اجرایی پوهنتون، اینکه تا چه سطح طبقه اناث از برخورد این ها با خود راضی اند و احساس راحتی و ناراحتی را می کردند در نمودار شماره (۱۵) در این مورد بیان می دارد.

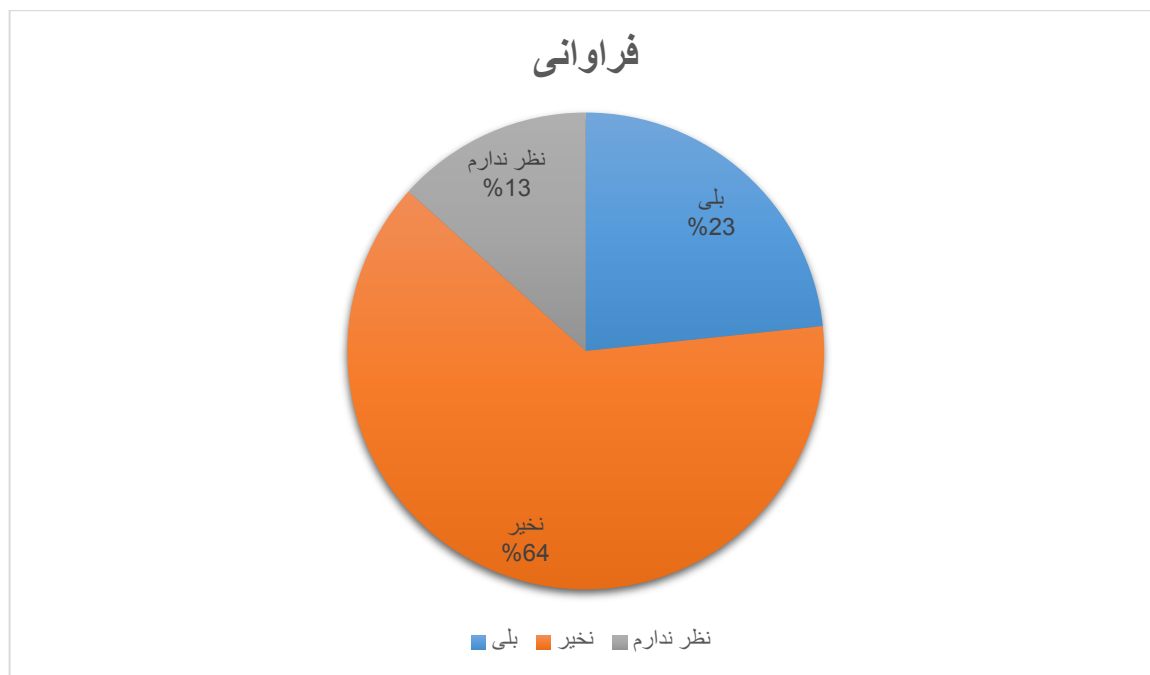


نمودار شماره (۱۵) حاکی از آن است که پاسخ دهندگان نمونه آماری این پژوهش به تعداد ۶۷٪ از آن ها خوب گفتند ، ۲۷٪ از آن ها بسیار خوب گفته اند و به تعداد ۳٪ از آن ها بد و ۳٪ دیگر از آن ها هم بسیار بد گفته اند.

فرضیه سوم - دولت و نهادها و همچنان تحصیلات زنان نیز تاثیری بر روی کاهش خشونت دارد اما در جامعه چون افغانستان چون یک دولت ضعیف و حکومت ضعیف داریم و همچنان زنان قشر اقلیت تحصیل کرده ها را نشان می دهند بنابراین همین دلایل هنوز هم خشونت علیه زنان بیشتر است.

۱. آیا تا به حال دولت موفق شده تا سطح خشونت علیه زن را کاهش دهد نمودار شماره (۱۶) در این مورد بیان می دارد.

نمودار شماره (۱۶)



نمودار شماره (۱۶) حاکی از آن است که ۶ پاسخ دهنده نمونه آماری این پژوهش که ۱۳٪ از آنها گفتند نظری نداریم، ۶۴٪ نخیر و ۲۳٪ نفر از آنها بلی گفته اند.

۲. سطح تحصیلات زنان تاثیر مستقیم روی کاهش خشونت علیه زنان دارد در جوامع که زنان از حق و حقوق خویش باخبرند ظلم و خشونت کمتری بالای آنها صورت می گیرد جدول و نمودار شماره (۱۶) چنین بیان می دارد.

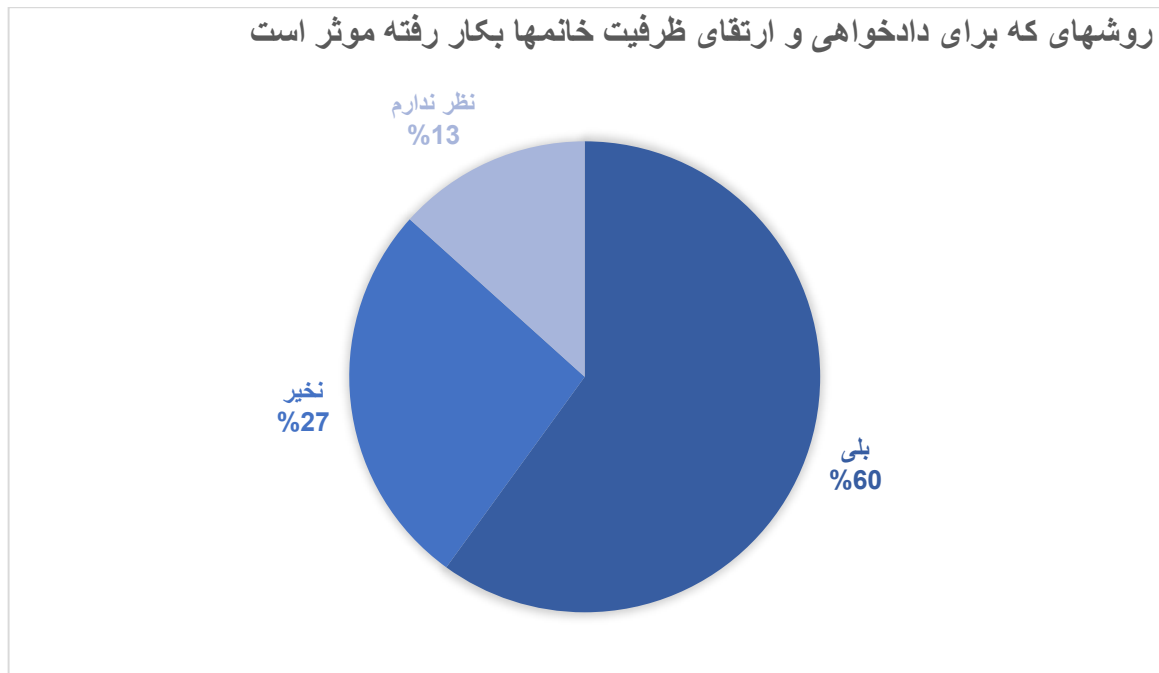
جدول شماره (۱۶)

سطح تحصیلات زنان روی کاهش خشونت تاثیر دارد			
	بلی	نخیر	نظر ندارم
فراوانی	۳۰	.	.
درصدی	۱۰۰٪	٪	٪

جدول شماره (۱۶) حاکی از آن است که پاسخ دهندگان نمونه آماری این پژوهش سطح تحصیلات زنان در میزان کاهش خشونت موثر می‌داند.

۳. روش‌های دادخواهی برای ارتقای ظرفیت خانم‌ها خود تاثیر مستقیم بالای کاهش خشونت علیه زنان دارد. جدول و نمودار شماره (۱۷) در این مورد بیان میدارد .

نمودار شماره (۱۷)



نمودار شماره (۱۷) حاکی از آن است که پاسخ دهندگان نمونه آماری این پژوهش ۶۰٪ از آن‌ها بلی گفته‌اند ، ۲۷ نخیر گفته‌اند و ۱۳٪ دیگر آن نظری ندارد.

نتیجه گیری

زنان در هر جامعه نیم از پیکر جامعه را تشکیل می‌دهد، بناء از مقام و ارزش زیاد برخوردار هستند. نتایج پژوهش حاضر نشان می‌دهد که اکثریت با کلمه خشونت آشنایی دارند و فرق بین خشونت‌های روحی و فزیکمی را می‌دانند و همچنان اکثریت تایید کرده‌اند که با قضیه خشونت آمیز مواجه شده‌اند و همچنان اینکه ندادن مهر و میراث خود نوع از خشونت است همه به این موضوع موافق‌اند. همچنان در فرضیه‌ها اینکه تحصیل روی کاهش خشونت علیه زنان تاثیر دارد یا نه؟ همه پاسخ دهندگان موافق بودند و اینکه سکوت در مقابل خشونت باعث کنترل خشونت نمی‌شود، نیز اکثریت موافق بودند.

پیشنهادات

۱. نفی تفاوت‌های جنسیتی در مضمون معارف افغانستان.
۲. حمایت‌های ویژه دولت از طبقه اناث در شرایط کنونی افغانستان در موارد خشونت علیه آنان.
۳. فراهم کردن زمینه درس و کار برای طبقه اناث در تمامی ولایات افغانستان.
۴. حمایت از سهم گیری زنان در مشاغل مهم و پست‌های کلیدی.
۵. تمرکز نهادهای علمی در موضوعات تحقیقی خود بر موضوع خشونت علیه زنان.
۶. بلند بردن سطح دانش و آموزش در میان زنان.

منابع

- ۱ - قرآنکریم
- ۲- غمی، رحمت الله (۱۳۹۶) بررسی خشونت از دیدگاه جامعه شناسی، ناشر، ارشاد.
- ۳- غزنوی، شمس (۱۳۹۲) خشونت علیه زنان.
- ۴- شایگان، حسین داد (۱۳۹۱)، بررسی میزان فرصت‌های شغلی زنان تحصیل کرده، ناشر، مولانا بلخی.
- ۵- نوری، عبدالعزیز (۱۳۹۸) دست‌نامه آموزشی در مورد شایع‌ترین مصادیق خشونت علیه‌زنان در افغانستان، ناشر موسسه حقوق بشر و محو خشونت، کابل، ۱۳۹۸.
- ۶ - کرامت، عبدالصمد، نایل، عبدالقادر، نور، فرید احمد (۱۳۹۸)، مطالعه و تحلیل دوسیه‌های قضایی خشونت علیه زن، ناشر، تمدن.
- ۷- وزارت عدلیه، جریده رسمی، قانون منع خشونت علیه زنان، شماره مسلسل (۹۸۹)، سال ۱۳۸۸.
- ۸ - اعلامیه جهانی حقوق بشر، سال.

9-Fa.euronews .com violence against women.

